

بایدها و نبایدهای فیلم و سریال خانوادگی در گفت‌وگوی «جوآن» با زهره احمدی، کارشناس ارشد مشاوره خانواده و ازدواج

خانواده اصیل ایرانی از سینما و نمایش خانگی حذف شده است

۶۶

من فکر می‌کنم اول باید ژانر خانواده احیا شود. پیش‌نیاز آن همراه کردن مشاوران خانواده، روانشناس‌ها و جامعه‌شناس‌ها با نویسندگان، فیلمسازها و تهیه‌کننده‌هاست. هنرهای نمایشی باید مسئولیت اجتماعی و فرهنگی را بیش از پیش جدی بگیرند تا ما شاهد آثاری باشیم که هم عشق را نشان بدهند و هم مسئولیت را هم خانواده را و هم استقلال را. شادی و سختی را کنار هم نشان بدهند و مهم‌تر از همه زندگی واقعی را به نمایش بگذارند. ما امروز با این مسئله مواجهیم که بخشی از جوانان در باره ازدواج نگرانی‌های جدی دارند که لزوماً اقتصادی و معیشتی هم نیست

۶۶

خانه سبز یا وضعیت سفید و قدری هم سریال در پناه تو آثار قابل اعتنایی بودند. در این آثار تا حدودی روابط انسانی، خانواده، صمیمیت، اختلافات و سبک زندگی قابل مشاهده بود. البته هر کدام در فضای خود، با نقاط ضعف و قوت خود، ولی نکته این جاست که وقتی یک اثر نمایشی روی روابط واقعی انسانی تمرکز می‌کند، می‌تواند تأثیرگذاری مثبت داشته باشد. برای مثال خانه سبز برای خیلی‌ها یادآور یک نوع زندگی گرم و صمیمی و پر از وضعیت سفید از زاویه‌ای دیگر نشان می‌داد، خانواده‌های خوش‌سخت اجتماعی چقدر مهم است

۶۶

اینکه یک مراسم پر هزینه می‌تواند شاکه یک زندگی را از ابتدا تحت تأثیر قرار بدهد، خود می‌تواند سوزه یک اثر نمایشی خوب باشد. برخی مراسمات یا رسوم می‌تواند حتی دست و پاگیر هم باشد. یعنی به جای اینکه منجر به شادی شود، به فشار تبدیل می‌شود. این تشریفات معمولاً نوعی چشم‌وهم‌چشمی همراه است. نتیجه اینکه اصل ماجرا فراموش شده و مشکل از جایی آغاز می‌شود که خانواده‌ها به جای اصل، روی ظاهر تمرکز کنند. یعنی فراموش کنند قرار است یک زندگی سالم پایه‌گذاری شود

خیلی‌ها یادآور یک نوع زندگی گرم و صمیمی و پر از چالش‌های طبیعی بود یا «وضعیت سفید» از زاویه‌ای دیگر نشان می‌داد، خانواده‌های خوش‌سخت اجتماعی چقدر مهم است. برخی کارها هم بودند که به جای اینکه الگوی خوب بدهند، الگوی غلط ارائه می‌کردند. معتمد رساله نباید انتظارات غیر واقعی درست کند. فیلم خانوادگی خوب باید به مخاطب الگو بدهد که ازدواج یعنی تعامل با آدم واقعی، نه شخصیت ایده‌آل. زندگی یعنی حل مسئله، نه حذف مسئله. عشق بدون مسئولیت دوام نمی‌آورد. تفاهم از هیجان مهم‌تر است. اگر این نگاه در آثار ما بیشتر شود، به نظرم خیلی از انتخاب‌های عجولانه و اشتباه کمتر می‌شود. در خیلی سریال‌ها یا خانواده‌ها را خیلی دخالت‌گر و آزاردهنده نشان می‌دهند یا آن قدر بی‌اثر که گویی اصلاً وجود ندارد. خانواده نباید به جای جوان تصمیم بگیرد، اما می‌تواند در واقع لزوم پاری‌سان باشد. اگر رسانه این تعادل را نشان بدهد و دچار افراط و تفریط نشود، اتفاق خیلی خوبی است.

فکر می‌کنید رسم و رسومات سنتی در ازدواج و ارائه آن در آثار نمایشی چقدر اهمیت دارد؟

باید بپذیریم برخی رسومات سنتی امروز دست‌وپاگیر هستند و منجر به فشار اقتصادی به خانواده‌ها می‌شوند و مانع یک ازدواج درست هستند. چیزی که در گذشته جنبه نمادین یا فرهنگی داشته، امروز خود به مانع ازدواج تبدیل شده است. برای مثال مهریه‌های سنگین. چرا باید از ابتدا زندگی را بر پایه تهدید و نگرانی بسازیم؟ مهریه اگر قرار است پشتوانه باشد، باید معقول باشد. یا برای مثال چیزی‌های میلیاردی. واقعاً چرا باید خانواده دختر تحت فشار باشند که انواع و اقسام وسایل خانه را یا بهترین برندها تهیه کنند؟ این فشارها یا ازدواج را به تعویق می‌اندازد یا سبب می‌شود یا قرض و بدهی آغاز شود. اینکه یک مراسم پر هزینه می‌تواند شاکه یک زندگی را از ابتدا تحت تأثیر قرار بدهد، خود می‌تواند سوزه یک اثر نمایشی خوب باشد. برخی مراسم یا رسوم می‌تواند حتی دست‌وپاگیر هم باشد. یعنی به جای اینکه منجر به شادی شود، به فشار تبدیل می‌شود. این تشریفات معمولاً نوعی چشم‌وهم‌چشمی همراه است. نتیجه اینکه اصل ماجرا فراموش شده و مشکل از جایی آغاز می‌شود که خانواده‌ها به جای اصل، روی ظاهر تمرکز کنند. یعنی فراموش کنند قرار است یک زندگی سالم پایه‌گذاری شود. انگار اصل ماجرا همان مراسم عروسی ابتدای کار است و زندگی روزمره جنبه‌ای فرعی دارد. این تصویر را رسانه می‌تواند اصلاح کند یا برعکس به آن دامن بزند. اینکه دختر و پسر بیش از هر چیز تجمیل شب عروسی برایشان اهمیت داشته باشد، یک آسیب جدی است که نیاز به ترمیم دارد. وقتی همه چیز به سمت نمایش، خرید، عکس، طلا، چیزهای بی‌ارزش، تالار، لباس و نظایر این‌ها می‌رود، اصل ماجرا که شناخت و تفاهم و اخلاق و در یک کلام یک همزیستی است، به حاشیه رفته است. سریال‌ها و فیلم‌های ما باید این مسائل را جا بیندازند و الگو ارائه بدهند. دست‌کم آثار که جنبه خانوادگی دارند، باید به این سمت بروند. ما نیاز به الگوهای نمایشی داریم که ازدواج سالم و راه‌های رسیدن به آن را نشان می‌دهند. این خیلی مهم است که مردم بینند زندگی خوب لزوماً از دل هزینه سنگین بیرون نمی‌آید، بلکه از دل تلاش مشترک و احترام متقابل شکل می‌گیرد. لازم نیست زندگی با تجمیل شروع شود و خانواده‌ها زیر بار بدهی بروند. لازم نیست یک زوج از ابتدا درگیر نمایش باشند. آن وقت جامعه هم به تدریج به سمت ازدواج منطقی‌تر تمایل پیدا می‌کند.

اگر قرار باشد چند مثال بزنم، سریال‌هایی مثل «خانه سبز» یا «وضعیت سفید» و قدری هم سریال «در پناه تو» آثار قابل اعتنایی بودند. در این آثار تا حدودی روابط انسانی، خانواده، صمیمیت، اختلافات و سبک زندگی قابل مشاهده بود. البته هر کدام در فضای خود و با نقاط ضعف و قوت خود، ولی نکته این جاست که وقتی یک اثر نمایشی روی روابط واقعی انسانی تمرکز می‌کند، می‌تواند تأثیرگذاری مثبت داشته باشد. برای مثال «خانه سبز» برای

اگر قرار است درباره ازدواج سالم بزنیم، لازم است درباره حقوق برابر و نگاه عادلانه هم حرف بزنیم. یعنی ازدواج نباید مجموعه‌ای از توقعات یک‌طرفه باشد. باید حق و مسئولیت دو طرف دیده شود. حق تحصیل، حق رشد، حق تصمیم‌گیری، حق احترام. اینکه ببینیم دو نفر با هم برای اقتصاد، تربیت فرزند، کار و مشکلات تلاش می‌کنند و به طور طبیعی حس مسئولیت در هر دو بیشتر می‌شود، اهمیت دارد. اما اگر یک طرف همه بار را به دوش بکشد یا همه تصمیم‌ها را بگیرد یا همیشه در حال گذشت و فداکاری باشد، رابطه سالم شکل نگرفته است. رسانه باید نشان دهد که زوج موفق فقط نباید در عکس‌ها شیک باشند، بلکه باید تلاش کنند. یک زندگی را تجربه کنند و در بحران یکدیگر را تنها نمی‌گذارند. رسانه هم می‌تواند آموزش بدهد و هم می‌تواند گمراه کند و همه چیز بستگی به این دارد که چه تصویری از ازدواج و خانواده ارائه بدهیم. اگر فیلم‌ها روی احترام، زیبایی، تلاش، فداکاری، امید و واقع‌بینی تأکید کنند، به نفع جامعه است.

مسئله این است که ما خیلی وقت است که اصلاً فیلم خانوادگی ایرانی نمی‌بینیم؛ چون اصلاً ساخته نمی‌شود.

من فکر می‌کنم اول باید ژانر خانواده احیا شود. پیش‌نیاز آن همراه کردن مشاوران خانواده، روانشناس‌ها و جامعه‌شناس‌ها با نویسندگان، فیلمسازها و تهیه‌کننده‌هاست. هنرهای نمایشی باید مسئولیت اجتماعی و فرهنگی را بیش از پیش جدی بگیرند تا ما شاهد آثاری باشیم که هم عشق را نشان بدهند و هم مسئولیت را هم خانواده را و هم استقلال را. شادی و سختی را کنار هم نشان بدهند و مهم‌تر از همه زندگی واقعی را به نمایش بگذارند. ما امروز با این مسئله مواجهیم که بخشی از جوانان درباره ازدواج نگرانی‌های جدی دارند که لزوماً اقتصادی و معیشتی هم نیست. اگر مدام در آثار نمایشی شاهد خانواده‌هایی باشیم که تنش در آنها زیاد است، پدر یا مادر، مادر یا فرزندان در حال نزاع و دعوا هستند، این می‌تواند به طور جدی جوانان ما را از رفتن به سمت ازدواج بدبین و منصرف کند. طبیعی است که با خود بگویند چرا من وارد شرایطی شوم که تنش‌زاست، در صورتی که ازدواج برای آرامش مرد و زن است. اگر رسانه فقط بحران را نشان بدهد، از آن سوی بوم افتاده است.



او تعلق بگیرد. معتمد ریشه یک بخش مهمی از این همه ازدواج ناموفق و طلاق را باید اتفاقاً در تولیدات نمایشی جست‌وجو کرد. آیا فیلمسازان و نویسندگان ما به مسئولیت‌های خود در قبال جامعه واقفند یا صرفاً با نگاه تجاری دست به خلق اثر می‌زنند؟ همان‌طور که گفتم، با نگاهی خوش‌بینانه به نظر می‌رسد سرگرم کردن در اولویت است. برخی آثار ممکن است ازدواج را خیلی رمانتیک، رؤیایی و بی‌دردر نشان بدهند و ساده‌سازی کنند و این هم می‌تواند یک آسیب باشد. انگار دو نفر فقط در یک آن همدیگر را دیده‌اند و عاشق شده‌اند و همه چیز خود به خود درست شده است. در حالی که واقعیت این نیست و زندگی مشترک پر از تفاوت و چالش است. آدم‌ها از دو خانواده متفاوت و دو تربیت متفاوت می‌آیند و با هم مواجه می‌شوند. با دو عادت یا دو سبک فکر متفاوت، اگر قرار باشد صرفاً بر پایه هیجان پیش بروند، معمولاً پس از مدتی به مشکل می‌خورند. مخاطب نباید فکر کند که ازدواج همیشه یعنی یک قصه قشنگ و احساسی که وقتی وارد آن می‌شود، با اولین اختلاف شوکه شود. قدیم‌ها برخی آثار خواستگاری را به شکلی کاملاً کلیشه‌ای نشان می‌دادند که خود این می‌توانست آسیب‌زننده باشد. یا همه چیز خیلی شلوغ و نمایشی بود یا خانواده‌ها خیلی بی‌منطق و سخت‌گیر بودند. یعنی به جای اینکه خواستگاری را به عنوان یک فرصت برای شناخت بیشتر در یک مرحله حساس و سرنوشت‌ساز از زندگی به نمایش بگذارند،



کتابت‌وگو جواد محرمی

فیلم خانوادگی امروز دیگر حتی به اندازه یک دغدغه مهم برای سینماگران و هنرمندان عرصه نمایشی موضوعیت ندارد و اصالت سرگرمی در حال نورددیدن همه ساحات هنرهای نمایشی است. با زهره احمدی، کارشناس ارشد مشاوره ازدواج و خانواده درباره مسئولیت هنرهای نمایشی به ویژه در سینما و سریال‌های نمایش خانگی گفت‌وگو کردیم.

تولیدات آثار نمایشی در ایران با ظهور پدیده‌های مثل سینمای خانگی رشد و توسعه زیادی کرده است. در حالی که همچنان بخش اعظمی از خانواده‌های ایرانی سعی می‌کنند سنت‌ها و آداب و رسوم خود را حفظ کنند، به نظر می‌رسد این آثار در حال به چالش کشیدن فرهنگ اصیل ایرانی هستند. فکر می‌کنید این روند چقدر بر خانواده‌ها تأثیرگذار است؟

سینما و سریال‌های نمایش خانگی و تلویزیون صرفاً سرگرم نمی‌کنند، بلکه فرهنگ می‌سازند. البته باید بپذیریم مردم به انگیزه سرگرم شدن به این تولیدات رجوع می‌کنند، اما اغلب نمی‌دانند در حال فرهنگ‌پذیری از این آثار هستند. تولیدات هنری در ذهن مخاطب تصویر می‌سازند و برداشت او را از مسائلی چون عشق و خانواده و مسائلی از این دست شکل می‌دهند. به نظرم اگر ما فکر کنیم فیلم و سریال فقط برای گذران وقت ساخته می‌شوند یا صرفاً نگاه تجاری دارند، در حال دست‌کم گرفتن نقش اصلی آن هستیم. چون خیلی وقت‌ها یکسری از تصاویری که از خانواده، ازدواج و رابطه در ذهن افراد شکل می‌گیرد، نه از تجربه شخصی آن‌هاست و نه از تجربه پدر و مادر، بلکه از همین فیلم‌ها و سریال‌ها بیرون می‌آید.

تولیدات نمایشی می‌توانند در راستای تنظیم‌گری فرهنگ جامعه اثرگذار باشند یا برعکس جنبه مخرب فرهنگی داشته باشند. برای مثال اگر در یک فیلم یا سریال رابطه سالم میان دو جنس مخالف به درستی ارائه شود یا اگر نشان بدهد که پیش از ازدواج باید شناخت وجود داشته باشد و حرف زدن صبر کردن، احترام گذاشتن، تفاهم داشتن و مسئولیت‌پذیری مهم است، بسیار می‌تواند آثارگذار باشد. چون خیلی از جوان‌ها این مسائل را به صورت مستقیم از خانواده دریافت نمی‌کنند، ولی وقتی در یک فیلم یا سریال آن را می‌بینند به درک بهتری نائل می‌شوند.

به نظر می‌رسد در سریال‌سازی و فیلم‌سازی بیشتر شاهد شخصیت‌هایی هستیم که نمی‌توانند به لحاظ فرهنگی الهام‌بخش و قابل اعتماد باشند و مخاطب را در حالتی از تعلیق ذهنی نگاه می‌دارند. نظر شما چیست؟

وقتی در یک سریال نشان داده می‌شود که دو نفر فقط به خاطر یک احساس لحظه‌ای و احساسی تصمیمی سرنوشت‌ساز نمی‌گیرند یا اگر تصمیم گرفتند دچار چه آسیب‌هایی می‌شوند و برای جبران آن چه پیامدهایی را باید به جان بخردند یا در باره اخلاق، سبک زندگی، آینده شغلی، وضعیت اقتصادی و حتی تفاوت‌های شخصیتی با هم در حال تبادل رفتار هستند، می‌تواند بسیار آموزنده باشد. ازدواج فقط عاشق شدن نیست، فقط دلدادگی و هیجان نیست، بلکه یک پیمان جدی برای ساختن زندگی است. خیلی وقت‌ها آثار نمایشی می‌توانند بدون اینکه مستقیم پیام بدهند یا دچار شوهرزدگی شوند، به مخاطب یاد بدهند که شناخت قبل از ازدواج مهم است. این می‌تواند هم با شخصیت‌پردازی دقیق از الگوهای درست ارائه شود و هم با شکل دادن شخصیت‌هایی که دچار خطاها و اشتباهاتی هستند و نه در چالش‌هایی برخورد کرده و به مرور سعی در برطرف کردن ایرادها دارند. البته بسته شخصیت‌های منفی نیز می‌توانند در آثار نمایشی برای مخاطب عبرت‌آموز باشند، اما ما شاهدیم که برخی آثار نمایشی شخصیت‌هایی می‌سازند که نه می‌توانند الگو باشند و نه در چالش‌ها خود را با پایایی می‌کنند و برخی آثار حتی شخصیت‌هایی شکل می‌دهند که ممکن است مخاطب را دچار توهم کرده و گمراه کند. برای مثال یک سارق حرفه‌ای طوری شخصیت‌پردازی شده که سمیات ایجاد کند تا ناخواسته او را دوست داشته باشیم. ما درباره مخاطب نوجوان حرف می‌زنیم که شخصیت او در حال گرفتن است.

در واقع شما درباره یک اثر نمایشی صحبت می‌کنید که از آن به عنوان ژانر خانوادگی یاد می‌شود و در همه جای دنیا از آن انتظار یک محصول سالم فرهنگی می‌رود.

دقیقاً اینکه دو نفر به جای اینکه در یک فضای احساسی به یک رابطه تن بدهند، آگاهانه‌تر و مسئولانه‌تر رفتار کنند، چیزی است که ما در آثار نمایشی کمتر آن را می‌بینیم. ظاهراً خانواده اصیل ایرانی از سینما و نمایش خانگی حذف شده است. نگاه به کار، فرزند، پول، آینده شغلی و تشکیل خانواده مسائلی است که هیچ‌وقت کم اهمیت نمی‌شوند و هنرهای نمایشی نباید فکر کند پرداختن به آنها از جنبه مواجهه با مخاطب خانواده، موضوعی کهنه و قدیمی است. انسان در طول تاریخ همواره خانواده تشکیل داده و همچنان بستر ساز هر جامعه سالمی در جهان، خانواده است. ما نمی‌توانیم مسئولیت‌های زندگی مشترک را در آثار نمایشی مان‌داده بگیریم. وقتی از هنر نمایشی حرف می‌زنیم، قرار نیست هنرمند را یک فرد بی‌مسئولیت نسبت به جامعه قلمداد کنیم که فقط قصد تولید اثری تجاری را دارد یا صرفاً از جنبه هنری و تکنیکی قرار است درباره آن ارزش‌گذاری شود. هنر برای هنر می‌تواند مخاطب خاص داشته باشد، اما ما این‌جا درباره یک جامعه با وسعت و دامنه‌ای وسیع حرف می‌زنیم که پیگیر محصولی فرهنگی است که برای او یک زیست بهتر و سالم‌تر را به ارمان بیاورد. مخاطبی که ترجیح می‌دهد ضمن سرگرم شدن خود و فرزندانش، به لحاظ فرهنگی آورد‌های هم به

صحنه‌ای از سریال در پناه تو

صحنه‌ای از سریال خانه سبز

صحنه‌ای از سریال وضعیت سفید